یادداشت

کرونا؛ بحران جدید برای قراردادهای صنعت برق

پیام باقری*

● گسترش جهانی و همه‌گیر کرونا، علاوه بر ابتلای صدها هزار نفر در دنیا، عملا ساختارهای اقتصادی جهان را تحت تأثیر قرار داده و میلیاردها دلار خسارت ایجاد کرده است؛ اما دراین‌میان اقتصاد ایران تحت تأثیر رکود تورمی چندین‌ساله، تحریم و کمبود نقدینگی شدید، بیش از بسیاری از کشورها، گرفتار آسیب‌های اقتصادی ناشی از اپیدمی کووید۱۹ شده است.صنعت برق هم مانند دیگر بخش‌های اقتصادی ایران، آسیب‌های اغلب جبران‌ناپذیری متحمل شده که ناشی از عوامل متعدد برآمده از شیوع کروناست. یکی از مهم‌ترین خسارات واردشده به پروژه‌های احداث این صنعت قابل مشاهده و بررسی است. در حقیقت با شیوع بیماری کرونا و اتخاذ سیاست‌های فاصله‌گذاری اجتماعی، دورکاری و قرنطینه‌های داوطلبانه، عملا حجم فعالیت‌های اجرائی رو به کاهش بوده و در نتیجه پروژه‌های در دست اجرا با تأخیر انجام می‌شوند. برآوردهای اولیه نشان‌دهنده آن است که زنجیره تأمین و احداث طرح‌های زیرساختی صنعت برق دست‌کم با یک زیان مالی تقریبا سه هزار میلیاردتومانی مواجه خواهد شد.در این صنعت البته شرکت‌های زنجیره تأمین هم متحمل زیان‌های درخورتوجهی شده‌اند؛ چراکه شیوع بیماری کرونا کاهش حجم تولیدات و توقف کار واحدهای تولیدی، پیمانکاری، مشاوره‌ای و بازرگانی را در پی داشته و برآورد خبرگان، حاکی از آن است که واحدهای تولیدی با تعطیلی موقت مواجه شده و از این ناحیه دست‌کم متحمل هزار میلیارد تومان زیان خواهند شد.همچنین این مسئله کاملا پیش‌بینی می‌شود که بر اثر تعطیلی و توقف فعالیت‌ها، ریسک تعدیل نیروی کار و بروز موجی از بی‌کاری‌ها در صنعت برق افزایش خواهد یافت. به نظر می‌رسد که با توجه به اشتغال حدود ۱۵۰ هزار نفر در این صنعت و گسترش چشمگیر اپیدمی کووید۱۹، ۲۰درصد نیروی کار شرکت‌ها که بالغ بر ۳۰ هزار نفر را شامل می‌شود، شغل خود را از دست خواهند داد. صنعت برق ایران از محل توقف صادرات و واردات هم به دلیل بسته‌شدن مرزهای کشورها برای کنترل شیوع بیماری کرونا دچار آسیب‌های جدی شده است. توقف مراودات تجاری به دلیل گسترش همه‌گیری کرونا، روند فعالیت صنعت برق را دچار اختلالات جدی کرده و برآوردهای تقریبی خبر از زیان ۳۰ میلیون‌دلاری از محل توقف این قبیل مراودات تجاری در صنعت برق می‌دهد.ناپایداری شبکه و بروز خاموشی، تشدید مشکلات نقدینگی و شدت زنجیره بدهی‌ها و نیز ایجاد مشکلات جدی برای کارگران و کارکنان شرکت‌ها که عمدتا حقوق و دستمزد چندین ماه خود را دریافت نکرده‌اند نیز از اثرات پیش‌بینی‌پذیر ناشی از شیوع کرونا و تعطیلی کسب‌وکارها است. بدون‌شک اقتصاد صنعت برق باید در انتظار روزهایی باشد که به دلیل تأخیر در پرداخت دیون بانکی، بیمه تأمین اجتماعی و مالیات، خسارت‌های مستقیم و غیرمستقیم بسیاری را متحمل شود.اما در این مسیر برای حفظ کسب‌وکارهایی که یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای صنعت برق در سال‌های پس از انقلاب محسوب می‌شوند، باید راهبردهایی عملیاتی مدنظر قرار گیرد. مهم‌ترین اقدام برای جبران بخشی از خسارات واردشده به کسب‌وکارهای صنعت برق کشور، تأمین بودجه حداقل هزار میلیاردتومانی به منظور پرداخت فوری مطالبات بنگاه‌های اقتصادی فعال در صنعت برق است. در حقیقت دولت می‌تواند با استفاده از ابزارهای مالی و تأمین نقدینگی مورد نیاز، مطالبات بخش خصوصی را با اولویت پرداخت کرده و چنانچه تأخیری ایجاد می‌شود، با نرخ تنزیل مناسب، هزینه تأخیر در پرداخت را به شرکت‌های تولیدی و پیمانکار پرداخت کند.به نظر می‌رسد با توجه به حجم بدهی‌ها، وزارت نیرو نیاز دارد دست‌کم هزار میلیارد تومان منابع مالی از بودجه عمومی دریافت کند تا با پرداخت بدهی‌های معوقه شرکت‌های بخش خصوصی، تاب‌آوری این شرکت‌ها را در برابر بی‌کاری‌های موقت و کاهش درآمدها در شش‌ماهه اول سال افزایش دهد.علاوه بر پرداخت فوری مطالبات، تعیین شرایط فوق‌العاده در قراردادها و برقراری زمان تنفس و توقف موقت یا حتی خاتمه آنها هم یک اقدام راهبردی برای مواجهه با شرایط بحرانی حاکم بر اقتصاد صنعت برق است. نکته اساسی این است که شیوع بیماری‌های واگیردار جزء شرایط پیش‌بینی‌نشده و با آثار همگانی بوده و در شرایط عمومی پیمان نیز به‌صراحت به آن اشاره شده که براساس‌این باید دستگاه‌های اجرائی کشور تا ازبین‌رفتن اپیدمی و خطر ابتلای کارکنان و کارگران واحدهای تولیدی و پیمانکاران به این ویروس، قراردادهای مرتبط با بخش خصوصی را دست‌کم تا پایان خرداد در شرایط تنفس یا در صورت لزوم خاتمه قرار دهند. این راهبرد برای قراردادهایی که پیش‌ازاین هم با مشکلات جدی مواجه بوده‌اند، قطعا می‌تواند اقتصاد و کسب‌وکارهای صنعت برق را در دوران پساکرونا، از سقوط و فروپاشی نجات دهد. این مسئله حیاتی است که سیاست‌گذاران کشور فراموش نکنند بی‌توجهی به بازیگران اصلی صنعت و اقتصاد کشور، به‌ویژه در صنایع زیرساختی و مؤثری مانند برق خسارات صنعتی، اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای در پی خواهد داشت؛ بنابراین راهکارها در سالی که با عنوان جهش تولید نام‌گذاری شده، باید بیش از هر زمان دیگری جدی گرفته شود.

*نایب‌رئیس هیئت‌مدیره سندیکای صنعت برق ایران

مهرآزما در گفت‌وگو با «شرق» از ضرورت صداقت با مردم برای بازبینی بودجه می‌گوید

یک بودجه فوری برای مدیریت بحران

شرق: آغاز سال ۱۳۹۹، با پیچیدگی‌هایی فراتر از شرایط اقتصادی نابسامان ایران، همراه بود؛ اقتصادی که اکنون به واسطه بحران کرونا، هم با ریزش بنگاه‌ها همراه است و هم پول چندانی از محل فروش نفت (که در سطح جهان با بحران مواجه است) نصیبش نمی‌شود. مسئله آن است که بودجه سال جاری که در حواشی بحران کرونا به تصویب رسید، تا چه اندازه می‌تواند شرایط کنونی را حمایت کند. ایرج مهرآزما، کارشناس برنامه‌ریزی و بودجه و اقتصاد انرژی در گفت‌وگو با «شرق» در تحلیلی که از شرایط کنونی ارائه می‌دهد، معتقد است که بودجه دیگر به کار گرفته نمی‌شود و اکنون دولت به صورت روزمره در حال اداره کشور است و برنامه‌ای در پیش‌رویش وجود ندارد. مهرآزما در این گفت‌وگو تأکید می‌کند که به طور میانگین دولت در بودجه عمومی، با حدود ۵۰ درصد کسری پنهان مواجه خواهد بود و البته او تدوین بودجه فورس‌ماژور را اگرچه ضروری می‌داند؛ اما به نظرش عملی نمی‌رسد. البته علت کنارگذاشتن بودجه فورس‌ماژور را در غیرشفاف‌بودن دولت با مردم می‌داند و می‌گوید وقتی به مردم شرایط بحرانی بودجه را اعلام نمی‌کنیم، نمی‌توانیم بودجه شرایط بحرانی هم تدوین کنیم؛ زیرا کسی وخامت اوضاع را نخواهد پذیرفت. او همچنین یک‌چهارم بودجه عمومی دولت را به طور مستقیم به منابع ارزی بلوکه‌شده ایران در خارج از کشور وابسته می‌داند و کلید آن را در مذاکره عنوان می‌کند. به گفته مهرآزما، نه مردم و نه دولت به لحاظ نداشتن پس‌انداز، از ایمنی لازم در شرایط کنونی اقتصاد ایران برخوردار نیستند.

با توجه به کاهش جدی درآمد نفت، افت بنیه بنگاه‌ها و کاهش توان مالیات‌ستانی، دولت بر چه ظرفیتی برای بودجه‌ریزی سال جاری می‌تواند تکیه کند؟

بودجه سال جاری به‌هرحال به دنبال نبود یک برنامه‌ریزی جامع و ایمن‌سازی شرایط بودجه‌نویسی پویا، با حساسیت و دغدغه زیادی همراه است. پاسخ شما از دید یک برنامه‌ریز اقتصادی و کارشناس بودجه، نقطه‌ای و برداری نیست؛ بلکه لازم است کل مسائل بودجه‌ای مرتبط در داخل یک ماتریس پویا بررسی شود. در اینجا سعی می‌کنم موضوع را در دو بخش «بررسی چالش‌های بودجه» و «راهکارهای جامع و مرتبط به هم» مطرح کنم. بودجه کشور در دو بخش بودجه عمومی و بودجه شرکت‌های دولتی و بانک‌ها تهیه و تنظیم می‌شود که به‌هرحال دارای اثرات متقابل هستند. بودجه عمومی از منظر منابع و مصارف در سه بخش مجزای تراز عملیاتی، تراز سرمایه‌ای و تراز مالی تفکیک می‌شود. تراز عملیاتی که تفاضل درآمدهای عمومی یعنی مالیات و دیگر درآمدها و هزینه‌های جاری یعنی حقوق و مزایای کارکنان و رفاه اجتماعی و خرید اموال است، همواره در سال‌های متمادی با کسری مواجه بوده است؛ کمااینکه در سال جاری هم حتی اگر درآمد مالیاتی محقق شود، تراز عملیاتی با کسری ۳۰درصدی مواجه خواهد بود. در عمل این کسری از محل تراز سرمایه‌ای یعنی تفاضل درآمد صادرات سهم دولت و بودجه عمرانی و همچنین از محل تراز مالی که تفاضل واگذاری دارایی مالی؛ یعنی فروش اموال و دارایی‌ها و تملک دارایی مالی است، تأمین می‌شود. به عبارت ساده کسری بودجه به صورت غیرشفاف، تراز می‌شود که خود جای سؤال است که چرا باید اولا درآمد صادرات نفت، صرف هزینه‌های جاری شود. از طرفی تا چه زمانی و تا چه میزان، باید آینده را با فروش اوراق بدهکار کرد و آیا فروش دارایی‌ها فقط برای تأمین هزینه‌های جاری از لحاظ مصالح ملی بوده و تا چه میزان جایز است؟ در سال جاری، تحقق تراز سرمایه‌ای یا سهم دولت از صادرات نفت تا حد زیادی غیرمحتمل است. درآمد حاصل از صادرات نفت که در بودجه عمومی، صندوق توسعه ملی و سهم شرکت ملی نفت دیده شده است، از حاصل‌ضرب سه عدد حجم صادرات نفت، قیمت هر بشکه نفت و نرخ ارز به دست می‌آید که همواره به علت‌های نامشخص در هر سه عدد، شاهد نوسان زیادی در عملکرد بودجه‌ای بوده‌ایم. در سال جاری حجم صادرات نفت، یک میلیون بشکه در روز و قیمت هر بشکه را ۵۰ دلار در نظر گرفته‌اند و با فرض نرخ صوری ارز، سهم دولت از محل صادرات نفت خام و میعانات گازی و فراورده‌های آن را نزدیک به صد هزار میلیارد تومان در بودجه منظور کرده‌اند که به نظر می‌رسد اگر نرخ ارز را تغییر ندهیم، به‌زحمت ۳۰ درصد این منبع محقق شود. همچنین پیش‌بینی منابع حاصل از واگذاری دارایی‌های مالی که اهم آن فروش دارایی‌ها و شرکت‌های دولتی به میزان ۱۲۴ هزار میلیارد تومان است، بعید است. در نتیجه با تحقق‌نیافتن تراز سرمایه‌ای و تراز مالی، عملا کسری منابع تراز عملیاتی تأمین‌شدنی نیست. حال اگر مالیات نیز در حد پیش‌بینی‌شده محقق نشود، عملا پاسخ‌گویی به هزینه‌های بودجه عمومی مشکل خواهد بود.

بودجه شرکت‌های دولتی نیز شرایط بهتری نسبت به بودجه عمومی دولت ندارد و متأسفانه یک تحلیل جامع کارشناسی شفاف و قابل استناد در تهیه و تنظیم بودجه شرکت‌های دولتی توسط دولت صورت نگرفته است که بازخورد نابسامانی بودجه شرکت‌های دولتی را در اقتصاد کشور نشان دهد. بودجه شرکت‌ها از چهار بخش مهم، مرتبط و پویا یعنی درآمد، هزینه، منابع و مصارف تشکیل می‌شود. هدف از تشکیل شرکت‌ها اساسا ایجاد یک واحد اقتصادی برای افزایش درآمد و بهینه‌کردن هزینه و سوددهی و اتوفاینانس چه از محل داخلی شرکت‌ها و چه از محل اخذ اعتبارات تجهیز منابع بوده است تا در بخش مصارف، هرچه بیشتر سرمایه‌گذاری صورت گیرد. بودجه این شرکت‌ها اساسا باید توسط مجمع عمومی و صاحبان سهام آنها تصویب شود و دولت جز در زمینه اخذ مالیات از سود آنها نباید دخالت زیادی در آنها کند. یعنی دخالت دولت در شرکت‌های دولتی در مجامع عمومی به‌عنوان صاحب سهام جایز است، اما متأسفانه در سال‌های اخیر دولت و حتی قوانین و مقررات، شرایطی را به‌وجود آورده که منابع شرکت‌ها را از سرچشمه یعنی در بخش درآمد شرکت‌ها برداشت می‌کنند. به بیانی دیگر قیمت‌گذاری در برخی از شرکت‌های دولتی مثل شرکت‌های بخش انرژی را تنها برای تأمین کسری بودجه عمومی و پرداخت یارانه به کار می‌برند و به هیچ وجه توجهی به شرایط سرمایه‌گذاری این شرکت‌ها که علت وجودی آنها بوده، ندارند. بنابراین همواره بودجه عموعی دولت با کسری منابع و مصارف روبه‌روست، ولی به‌صورت صوری با گذاشتن منابع واهی سعی می‌شود کسری نشان داده نشود، درحالی‌که اگر کسری بودجه واقعا نشان داده می‌شد، امکان همراهی کل بخش‌های اقتصادی و مردم را بیشتر داشتیم و با شفافیت رفع مشکل تسهیل می‌شد. در بودجه شرکت‌های دولتی نیز درنظرگرفتن منابع صوری موجب کاهش شدید سرمایه‌گذاری از یک سو و بالارفتن زیاد بدهی آنها شده است.

این شرایط بحرانی که به آن اشاره می‌کنید، به نظر می‌رسد پیش از بحران کرونا هم وجود داشته است. اکنون که اقتصاد جهان و به تبع آن اقتصاد ایران با این چالش جدید روبه‌رو شده، چه مشکلاتی بر بودجه تحمیل می‌شود؟

در این شرایط با مشکل کرونا بحث جدیدتری به وجود آمده و با رکود شرکت‌های غیردولتی و خصوصی که دچار مشکل شده‌اند، منابع درآمدی‌شان هم با مشکل مواجه می‌شود. در چنین وضعیتی عملا مالیات‌ستانی هم دچار مشکل می‌شود؛ یعنی درآمدی که بابت مالیات و گمرک در بودجه عمومی دیده شده که حدود ۱۹۵ هزار میلیارد است، با پایه‌های مالیاتی موجود خوش‌بینانه است و تحقق حدود ۱۲۴ هزار میلیارد تومان منابعی که بابت واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای حاصل از نفت در نظر گرفته شده نیز بعید است. به‌طور میانگین می‌توان گفت دولت در بودجه عمومی، با حدود ۵۰ درصد کسری پنهان مواجه خواهد بود. همان‌طور که گفتم، پولی که بابت ارز از فروش نفت به‌عنوان سهم دولت در این بودجه منظور شده بود، قرار بود اساسا صرف کالاهای اساسی شود اکنون این منابع کاهش پیدا کرده است. البته مقداری منابع ارزی در خارج داریم که اگر آزاد شوند می‌توانیم تا حدی این بحران را پشت سر بگذاریم.

یعنی بخشی از منابع بودجه به مذاکره گره خورده است؟

یک‌چهارم بودجه عمومی دولت مستقیما به این مسئله وابسته است، اما بخش‌های دیگر نیز به شرایط اقتصادی و مدیریت خودمان بستگی دارد. همان‌گونه که اشاره کردم درآمد مالیاتی باید با شرایط اقتصادی‌مان همخوانی داشته باشد؛ یعنی سهم مالیات از تولید ناخالص ملی کشور نسبت به کشورهای دیگر کم است و باید تغییر کند. یا اگر رونق تولید به‌صورت واقعی اتفاق می‌افتاد و شرکت‌های دولتی و خصوصی سرمایه‌گذاری بیشتری می‌کردند، امکان اخذ مالیات نیز عملا بیشتر می‌شد. البته راهکار دیگر کاهش هزینه‌های جاری و یارانه‌ها است، یعنی یارانه فقط باید به دهک نیازمند داده شود. دولت باید برای رشد و توسعه اقتصادی به تولیدکننده که مالیات می‌دهد کمک کند نه به یک جامعه چندمیلیاردی مصرفی. ادامه این وضع هر دولتی را زمین‌گیر می‌کند.

آیا نمی‌توان با درنظرگرفتن مالیات‌ستانی از بخش‌هایی که هرگز مالیات نداده‌اند یا در برخی موارد از معافیت‌های مالیاتی برخوردارند، بخشی از نابسامانی بودجه را سامان داد؟

همان‌گونه که اشاره کردم مالیات مهم‌ترین و پایدارترین منبع درآمدی هر دولت است. سهم مالیات در تأمین منابع بودجه عمومی دولت باید افزایش پیدا می‌کرد که متأسفانه در سال‌های اخیر خیلی کم و در حد فقط پنج تا هشت درصد تولید ناخالص ملی کشور بوده است. مالیات ما باید در چند سال حداقل به ۲۰ تا ۲۵ درصد تولید ناخالص داخلی برسد. اکنون در سطح جهانی دریافت مالیات بین ۲۵ تا ۳۷ درصد تولید ناخالص داخلی کشورهاست. اینکه سهم مالیات در تولید ناخالص کشور ما کم است به‌معنی این است که بخش‌هایی از چرخه عرضه‌کننده کالا و خدمات مالیات نمی‌دهند یا فرار مالیاتی وجود دارد یا پایه مالیاتی پایین است. این یکی از نقاط ضعف است که از یک عده مالیات نمی‌گیریم. می‌توانیم از بخش‌هایی که تاکنون مالیات نمی‌دادند، مالیات بگیریم، اما به نظر من به سادگی امکان‌پذیر نیست.

در بررسی و تنظیم بودجه پیش‌نیازی ضرورت دارد که در نظر گرفته نشده باشد؟

نگاه رسیدگی بودجه چه در دولت و چه در مجلس در سال‌های اخیر بیشتر تأمین منابع برای تراز هزینه‌های جاری و پرداخت یارانه است، درحالی‌که برای رسیدن کشور به قدرت منطقه‌ای و پایداری، نیازمند به راهیابی جریان توسعه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هستیم. چالش بزرگ کشور توسعه‌نیافتگی است. برون‌رفت از توسعه‌نیافتگی در شرایطی میسر می‌شود که متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ساختاری بخش دولتی و خصوصی هماهنگ با هم رشد کند و از سوی دیگر این رشد و توسعه در همه بخش‌ها مداوم و پایدار باشد. لازم نیست رشد این بخش‌ها خیلی زیاد باشد، اما باید تداوم داشته باشد. از مهم‌ترین پیش‌نیازهای روند توسعه پایدار در تنظیم بودجه می‌توان به مواردی مانند ثبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و عدم تغییرات دفعی و مشخص‌شدن حیطه فعالیت‌های دولتی و شبه‌دولتی در زیربخش‌های اقتصادی اشاره کرد. همچنین شرایط لازم دریافت مالیات از همه فعالیت‌های اقتصادی و درآمدها و سرمایه‌ها و دارایی‌ها به‌نحوی که به شفاف‌ترشدن فعالیت منجر شود، ضروری است. برای استفاده بهینه از منبع بین‌نسلی وابستگی بودجه عمومی به منابع درآمدهای نفتی باید طی مدتی به صفر برسد و عایدات و درآمدهای نفتی به سرمایه‌گذاری اختصاص یابد. همچنین سهم مالیات در تولید ناخالص طی چند سال باید به حد مطلوب برسد. در این زمینه باید همه آحاد مردم و شرکت‌ها هرساله اظهارنامه مالیاتی تکمیل کنند. اداره و مدیریت شرکت‌های دولتی و شبه‌دولتی باید متحول و سعی شود درآمد، هزینه و منابع و مصارف شرکت در مجمع عموعی شرکت به تصویب برسد. در قیمت‌گذاری تولیدات و خدمات شرکت‌های دولتی سیاستی به کار رود تا منابع حاصله جزء درآمد شرکت لحاظ شود تا ضمن دادن مالیات از سود شرایط سرمایه‌گذاری در شرکت میسر شود. قیمت‌گذاری و تعرفه‌گذاری در شرایط انحصار طبیعی، نباید از سوی دولت و مجلس صورت گیرد و اساسا تنظیم مقررات و قیمت‌گذاری کار نهاد رگولاتوری مستقل است.

مسئله مهم دیگر استفاده از صندوق توسعه ملی به‌عنوان پشتوانه دولت‌ها نه در امور زیربنایی و توسعه‌ای که در امور جاری است. به‌تازگی نیز برای مقابله با بحران کرونا، یک میلیارد یورو از صندوق توسعه ملی برداشت شد. فکر می‌کنید دولت می‌تواند از این بودجه برای مصارف توسعه‌ای و نگهداشت بنگاه‌های اقتصادی بهره بگیرد؟

مکانیسم حساب ذخیره ارزی برای ایمن‌سازی بودجه کشور بود که در زمان بحران و کسری بودجه از این حساب استفاده کنیم. مکانیسم صندوق توسعه ملی هم برای ایمن‌سازی بخش تولید بود. یعنی قرار بود منابع صندوق توسعه ملی فقط در اختیار بخش خصوصی برای رونق تولید به کار برود. اما به دلایل مختلف اقتصادی و سیاسی از این مکانیسم‌های قانونی به‌موقع و در جای خود استفاده نکردیم. جای تأسف است که در شرایط موجود، بعضی پرداخت‌های دولت در زمینه‌های مختلف حتی در قالب مصوبات بودجه سالانه نیز هزینه نمی‌شود. به بیانی روشن‌تر، مسئولان برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی کشور با مسائل روزمره و به‌طور نقطه‌ای و برداری مواجه می‌شوند. به نظر می‌رسد اکنون نیز که این برداشت صورت گرفته است، باز هم در امور جاری صرف شود و ثمره‌ای از آن به بخش تولید و بنگاه‌های اقتصادی نرسد.

آیا تنظیم یک بودجه فورس‌ماژور برای شرایط حاد اقتصادی ضروری نیست؟

پاسخ به این سؤال شما سهل و ممتنع است، زیرا داشتن یک بودجه فورس‌ماژور نشدنی نیست، اما به پیش‌نیازهایی که به آنها اشاره کردم از جمله قبول اینکه کسر بودجه داریم و شفاف‌گفتن آن به مردم برمی‌گردد. نگاه کنید مواجهه با بحران بودجه و عدم توازن منابع و مصارف بودجه دولت قابل قیاس با رویکرد مقابله با بحران مقابله با همه‌گیری ویروس کروناست. در مقابله با بحران کرونا وقتی کل مشکل را با مردم در میان گذاشتیم و به‌صورت شفاف اهمیت بحران را برای مردم تشریح کردیم و اطلاعات هر روز را روزانه به مردم دادیم، آنها با دولت همراهی کردند و وقتی دولت و مسئولان مربوطه از آنها خواستند محدودیت‌هایی مثل درخانه‌ماندن، سرکارنرفتن و اعمال فاصله اجتماعی را رعایت کنند، مردم نیز چون در جریان امور بودند با تصمیم‌های مسئولان دولتی همراهی کردند و حتی‌المقدور خود را با شرایط بحرانی وفق دادند و اهم مردم محدودیت را اعمال کردند. ضمن آنکه وزارت بهداشت و درمان نیز با شفاف‌سازی و تعامل با دیگر کشورها همکاری مردم را جلب کرد و حتی مردم متوجه شدند بدن خود را ایمن کنند تا بهتر بتوانند در ابتلا به این بیماری تاب آورند، اما متأسفانه در زمینه بحران بودجه دولت و مسئولان برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی نمی‌خواهند قبول کنند کسر بودجه دارند و منابع صوری تکافوی مصارف و هزینه‌ها و پرداخت یارانه به ۸۰ میلیون نفر را نمی‌کند تا اینکه برای همراهی مردم موضوع را با مردم در میان بگذارند و از همه بخواهند همگی اعم از دولت و مردم مثل گذشته‌های دور، با هم کمربندها را سفت کنیم و هزینه‌ها را کاهش دهیم. پاسخ شما در این شرایط آن است که تنظیم بودجه فورس‌ماژور میسر نیست، زیرا هنوز مسئولان برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی نمی‌خواهند مشکل را به مردم بازگو کنند. ضمن آنکه نه مردم و نه دولت، به لحاظ نداشتن پس‌انداز در مواجهه با این شرایط ویژه از ایمنی لازم برخوردار نیستند.

تحقق یک سناریوی بدبینانه

ادامه از صفحه ۴

این پژوهشگر می‌افزاید: ابتدا باید به این نتیجه رسید که آیا شیوع کرونا روی قیمت‌ها اثر دارد یا نه؟ من تصور می‌کنم روی کلیت تورم تأثیری واحد ندارد و در برخی بخش‌ها تأثیر مثبت و روی برخی دیگر اثر منفی دارد؛ ما باید میانگین این اثرات را مد نظر قرار دهیم. من فکر می‌کنم در کل تأثیر معنادار آن‌چنانی‌ای نداشته باشد؛ چراکه ما به همان اندازه که در شوینده‌ها و مواد غذایی ممکن است افزایش قیمت داشته باشیم، از طرفی در اقلام دیگر مثل تفریح، مسافرت و... به دنبال کاهش تقاضا کاهش قیمت داشته‌ایم، پس نمی‌توانیم با قاطعیت بگوییم کرونا باعث کاهش یا افزایش قیمت خواهد شد. در کنار آن فشاری که با توجه به کاهش قیمت نفت روی بودجه دولت می‌آید، ممکن است آن را با کسری بودجه شدید مواجه کند و تأمین کسری قادر است تأثیر زیادی روی شرایط اقتصاد ما بگذارد.

پیش‌بینی تورم ۲۱ تا ۳۰ درصدی

این پژوهشگر پیش‌بینی می‌کند که تورم سال ۹۹ در حالت خوشبینانه ۲۱ درصد خواهد بود؛ این در شرایطی است که شرایط سال ۹۸ تکرار شود. این سال اگرچه از نظر تورمی خوب نبود اما ثبات بیشتری نسبت به ۹۷ داشت. از نظر او حالت بدبینانه درنظرگرفتن تکرار سال ۹۷ است که با این نگاه به تورم ۳۰درصد می‌رسیم. رضایی می‌گوید: اگر وضع بدتر از ۹۷ بشود، قطعا از ۳۰درصد بالاتر می‌رود که البته من بعید می‌دانم و تصور می‌کنم روند تورم کاهشی باشد. باید توجه داشت که کاهش تورم به معنی کاهش قیمت‌ها نیست. تورم به معنای سرعت افزایش قیمت‌هاست و وقتی می‌گوییم تورم کاهش پیدا کرده است، منظورمان این است که سرعت افزایش قیمت کمتر شده است. بحث دیگر اما محاسبات نرخ تورم بدون درنظرگرفتن عوامل بیرونی است؛ در محاسبه تورم به این شکل باید برای اینکه تورم سیر صعودی داشته باشد، دائم شتاب افزایش قیمت‌ها بالا برود؛ مثلا اگر قبلا ماهی دو درصد افزایش پیدا می‌کرد، حالا باید بشود ماهی مثلا سه درصد تا تورم سالانه حالت افزایشی داشته باشد. با توجه به اینکه بسیاری از اقلام افزایش قیمت بسیار زیادی داشته‌اند و به حالت اشباع رسیده‌اند، قاعدتا ظرفیتی برای افزایش بیش از این وجود ندارد؛ پس من فکر می‌کنم افزایش قیمت‌ها وجود دارد اما با سرعتی کمتر.

بررسی احتمال وقوع تورم ۴۰ درصدی

از نظر الله‌رضایی پیش‌بینی تورم ۴۰درصد برای سال جاری بسیار بدبینانه و احتمالا ناممکن است. او توضیح می‌دهد: شاید برخی از محاسبه تورم اطلاع ندارند. تورم از یک شاخص به دست می‌آید؛ یعنی از نسبت دو عدد. وقتی در سال ۹۸ تورم بسیار زیادی داشتیم، با توجه به اینکه شاخص ۹۹ از تقسیم نرخ تورم ۹۹ بر ۹۸ به دست می‌آید، برای اینکه بخواهیم فکر کنیم تورم ۹۹ از ۹۸ بیشتر است، باید رشد قیمت‌ها خیلی‌خیلی بیشتر از سال ۹۸ باشد. برخی فقط شرایط کلی اقتصاد را در نظر می‌گیرند و می‌گویند با توجه به کسری بودجه دولت تورم ایجاد خواهد شد اما باید توجه کرد که در سال ۹۸ تورم به اندازه کافی افزایش داشته و ما به ۴۰ درصد رسیدیم که عدد بسیار بالایی برای تورم است و وضعیت خیلی باید بد باشد که باز شتابان افزایش پیدا کند.هادی موسوی‌نیک، کارشناس اقتصادی دیگری است که از دو نیروی مؤثر بر تورم ۹۹ یاد می‌کند که باید دید کدام‌یک بر دیگری می‌چربد. او توضیح می‌دهد: با توجه به شرایط بخش حقیقی اقتصاد ما باید به فاز تورم کاهشی وارد می‌شدیم؛ زیرا بعد از یک دوره رکود و چند دوره شوک اقتصادی مختلف ما علی‌القاعده با کاهش تقاضای کل ناشی از کاهش درآمد سرانه مواجهیم که تورم را کاهش خواهد داد. اکنون در عمل همین انتظار می‌رود اما از طرف دیگر واقعیتی وجود دارد و آن بحث کسری بودجه و مصائب ناشی از آن است که می‌تواند موجب کاهش ارزش پول ملی شود. بنابراین ما دو نیروی متضاد در حوزه تورم داریم که به نظر من نیروی دوم در نهایت می‌چربد و شرایط را به شکل غیرمنتظره‌ای تغییر می‌دهد؛ البته اطمینان ندارم که حتما این اتفاق در ۹۹ بیفتد. همه‌چیز تا زمانی که اعتماد به سیستم اجرائی کشور وجود داشته باشد، قابل مدیریت است. این اعتماد اگر از بین برود، می‌تواند ما را با تورم بالاتری مواجه کند. نمی‌توانم عددی برای آن ذکر کنم؛ چراکه در آن شرایط اعداد معنای خود را از دست می‌دهند. واکنش مردم در شرایطی که ما ایستادیم کلیدی است. همه چیز فقط بحث سیاست‌گذاری و تکنیکی نیست و بخش مهمی معطوف به نوع نگاه جامعه به سیاست‌های مذکور است.

خبر

هیئت دولت حداقل حقوق بازنشستگان را تصویب کرد

● براساس مصوبه هیئت دولت حداقل حقوق بازنشستگان کشوری و لشکری تعیین شد.به گزارش تسنیم، هیئت وزیران براساس پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه و اداری استخدامی به استناد اصل صدوسی‌وهشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ماده ۷۶ قانون مدیریت خدمات کشوری و بندهای تبصره ۱۲ قانون بودجه سال ۱۳۹۳ کل کشور آیین‌نامه اجرائی بندهای مربوطه را تصویب کرد.براساس‌این حقوق بازنشستگان وظیفه‌بگیران و مشترکان صندوق بازنشستگی کشوری و سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح در سال جاری ۱۵ درصد در مقایسه با سال قبل افزایش می‌یابد. پس از اعمال افزایش یادشده حکم حقوق بازنشستگان متناسب با سنوات خدمت مقبول از ۲۸ میلیون ریال کمتر نخواهد بود وحداقل حقوق بازنشستگان، وظیفه‌بگیران و مشترکان صندوق بازنشستگی کشوری و... به میزان ۱۸میلیون‌و ۱۵۲هزارو و ۷۵۰ ریال و حداکثر حقوق آنان هفت برابر حداقل حقوق بازنشستگی تعیین می‌شود. همچنین اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها از شمول حداکثر این بند مستثنا هستند.در اجرای بندهای الف و ب تبصره ۱۲ ماده واحده قانون بودجه سال ۹۹ متناسب‌سازی و بازنشستگان و موظفان و مشترکان صندوق بازنشستگی کشوری و سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح و اعمال ماده یک این آیین‌نامه با افزایش امتیازات سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح پس از اعمال ماده یک این آیین‌نامه با افزایش امتیازات گروه شغلی جداول ۱۰۹ و ۱۱۰ قانون مدیریت خدمات کشوری در سقف اعتبارات مندرج و دیگر قوانین دوهزارو ۴۳۸ ریال اعمال می‌شود.

جزئیات مصوبه افزایش ضریب حقوق کارمندان در سال ۱۳۹۹

● معاون اول رئیس‌جمهور، مصوبه افزایش ضریب حقوق کارمندان، اعضای هیئت علمی و قضات در سال ۱۳۹۹ را برای اجرا به سازمان‌های برنامه و بودجه کشور و اداری و استخدامی ابلاغ کرد.به گزارش تسنیم، هیئت وزیران در جلسه ۲۰ فروردین ۱۳۹۹، ضریب حقوق اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و قضات را به میزان ۳۴هزارو ۷۳۰ ریال تعیین کرد. همچنین، ضریب حقوق شاغلان مشمولان قانون مدیریت خدمات کشوری، کارمندان مشمول قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت - مصوب ۱۳۷۰- ازجمله کارمندان وزارت اطلاعات و شاغلان پست‌های سیاسی وزارت امور خارجه برای سال ۱۳۹۹ به میزان دوهزارو ۴۳۸ ریال تعیین می‌شود.افزون بر این، ضریب حقوق مقامات و هم‌ترازان موضوع ماده (۷۱) قانون مدیریت خدمات کشوری و مدیران عامل و اعضای هیئت‌مدیره و رؤسای دستگاه‌های اجرائی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۲۹) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و شهرداران مراکز استان‌ها به میزان دوهزارو ۳۰۰ ریال تعیین می‌شود.حق جلسه اعضای شوراهای اسلامی شهر مراکز استان در سال ۱۳۹۹ براساس ضریب ریالی دوهزارو ۳۰۰ ریال طبق تبصره (۱) ماده (۶) آیین‌نامه نحوه پرداخت حق جلسه و مزایا به اعضای شورای اسلامی محاسبه و پرداخت می‌شود.همچنین، افزایش حقوق کارکنان مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت، نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی و شرکت‌های دولتی دارای مقررات خاص ازجمله شرکت‌ها و دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است، از قبیل شرکت ملی نفت ایران، سازمان انرژی اتمی ایران، سازمان‌های موضوع ماده (۵) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور و همچنین بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، در سال ۱۳۹۹ به میزان ۱۵ درصد تعیین می‌شود.گفتنی است، حداقل حقوق و مزایای مستمر شاغلان موضوع ماده (۷۶) قانون مدیریت خدمات کشوری برای کارمندان دستگاه‌های اجرائی مشمول این قان